

تاریخ چوگان

در ایران و سرزمین‌های عربی

آذرتاش آذرنوش



نقشه
تهران
۱۳۹۲

آذرتاش، آذرتاش، ۱۳۱۶-	سرشناسه:
تاریخ چوگان در ایران و سرزمین های عربی: آذرتاش آذرتاش.	عنوان و پدیدآور:
تهران، نشر ماهی، ۱۳۹۰.	مشخصات نشر:
۲۰۰+۲۰ ص.	مشخصات ظاهری:
ISBN 978-964-209-127-0	شابک:
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.	یادداشت:
کتاب نامه.	یادداشت:
نماینه.	یادداشت:
چوگان.	موضوع:
چوگان - تاریخ.	موضوع:
GV۱۰۱۱/۴۲ ۱۳۹۰	رده بندی کنگره:
۷۹۶/۳۵۳	رده بندی دیویی:
۲۶۴۲۷۱۱	شماره ی کتابخانه ی ملی:

تاریخ چوگان

در ایران و سرزمین‌های عربی

آذرتاش آذرنوش

نویسنده

+

بهار ۱۳۹۲
نسخه ۱۵۰۰

چاپ اول
تیراژ

+

حسین سجادی
امین گرافیک
مستور
سپیدار

مدیر هنری
لیتوگرافی
چاپ جلد و متن
صحافی

+

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۰۹-۱۲۷-۰

همه‌ی حقوق برای ناشر محفوظ است.



نشر ماهی

فهرست

۹	پیش‌گفتار
۱۳	چوگان، واژه‌شناسی
۱۵	چوگان در زبان عربی
۱۷	خاستگاه چوگان
۲۱	رساله‌های چوگانی
۲۱	رساله‌های چوگانی به زبان عربی
۲۴	رساله‌های چوگانی به زبان فارسی
۲۷	نگاهی به تاریخچه‌ی چوگان در سرزمین‌های دیگر
۲۷	هندوستان
۲۹	چین
۳۱	ژاپن
۳۲	بیزانس
۳۵	چوگان در ایران پیش از اسلام
۳۷	روایت‌های افسانه‌ای
۳۷	چوگان‌بازی گشتاسپ
۳۹	چوگان‌بازی سیاوش
۴۴	چوگان‌بازی رستم
۴۴	روایت‌های نیم‌تلاریخی

۴۷	روایت‌های تاریخی
۴۷	روایت‌های ساسانی در متون پهلوی
۴۷	متن نخست
۵۰	متن دوم
۵۰	روایت‌های ساسانی در آثار اسلامی
۵۹	چوگان در ایران عصر اسلامی
۵۹	سده‌های نخستین تا آغاز عصر صفوی
۷۰	نخستین فرستاده به زبان فارسی
۷۵	حالتنامه و سلامان و ابسال
۷۶	عصر صفوی
۷۷	شاه طهماسب اول
۸۱	شاه عباس اول
۸۷	شاه عباس دوم
۹۰	شاه سلیمان
۹۲	چوگان، مرگ و زندگی دوباره
۹۴	چوگان هندی، چوگان انگلیسی
۹۶	ایران عهد قاجار
۹۸	منظومه‌ی میرزا یحیی خان
۱۰۶	چوگان ایران در حال حاضر
۱۰۹	چوگان در جهان عرب
۱۰۹	عصر جاهلی
۱۱۱	عصر عباسی
۱۱۱	مهدی
۱۱۱	هارون
۱۱۳	شعر ابونواس
۱۱۷	شعر عباس بن احنف

۱۲۱	امین و مأمون
۱۲۱	معتصم
۱۲۲	جاحظ
۱۲۵	متوکل
۱۲۵	ابن قتیبه
۱۳۵	مقتدر
۱۳۷	مصر و شام
۱۴۰	ایوبیان
۱۴۳	ممالیک
۱۴۴	چوگان ← صولخان ← جوکان ← جوکندار
۱۴۸	چوگاندار
۱۵۰	روایات مملوکی درباره‌ی چوگان
۱۵۳	چوگان ممالیک
۱۶۳	چوگان در ادبیات
۱۶۵	وصف‌های مادی
۱۶۷	مهر و مشتری
۱۷۱	کارنامه
۱۷۳	گوی و چوگان میرزا یحیی خان
۱۷۳	آثار تمثیلی
۱۷۴	منطق الطیر عطار
۱۷۵	تاریخ و صاف
۱۷۶	حالنامه
۱۷۹	چوگان در تک‌بیت‌های فارسی
۱۸۲	چوگان در تصویرپردازی شعر عرب
۱۸۵	منابع و اختصارات
۱۹۱	نمایه

پیش‌گفتار

جلوی هر یک از درگاه‌های خانه‌های در قم و گاهی هم در تهران، یک پرده‌ی قلمکار اصفهانی آویزان بود. پرده‌هایش بر رنگ و رو باخته بودند، اما هنوز نقش گل‌های گوناگون و از همه بیش‌تر نقش پنجه‌های را روی آن‌ها می‌توانستیم ببینیم. در یکی از این پرده‌ها، نقش‌ها در قابی نسبتاً پهن قرار داشتند که در آن یک تصویر در چهار طرف قاب تکرار می‌شد. آن تصویر مردی را نشان می‌داد که بر اسبی نشسته بود. اسب حالت تاخت‌رفتن داشت: دو پایش روی زمین و دست‌هایش کشیده به سمت بالا بود. سوار با دست چپ افسار اسب را گرفته بود و دست راست را بالای سر برافراشته بود و می‌خواست با چوب سرکجی که به همان دست گرفته بود، به گوی غلطان روی زمین ضربه بزند.

من که هشت نه سال بیش نداشتیم، آن سواران چابک را از فراز زمین به زیر می‌کشیدم و خود بر می‌نشستم و چوگان به دست می‌گرفتم و در کوچه‌خیابان‌های خاک‌آلود قم تاخت و تاز می‌کردم و همگان را شینفته‌ی دلاوری‌ها و برازندگی‌های خود می‌ساختم. بیست سالی از آن روزگار گذشت. روزی از جاده‌ی مخصوص کرج، که هنوز جاده‌ای دوطرفه بود، به سوی تهران می‌آمدم. از لابه‌لای درختان کاج، گروهی سوار را دیدم که به این سوی و آن سوی می‌شتافتند، گاه با همان سرعت که پیش آمده بودند، به عقب باز می‌گشتند و گاه نیز در غباری که از زیر سم اسبان بر می‌خاست، ناپدید می‌شدند. این جازمین چوگان خرگوش‌دره بود. نزدیک رفتم و با سرهنگ سرعت‌پور – که خداهش بیامرز – ملاقات کردم. سرهنگ هم چوگان‌باز بود و هم استاد سواری مجموعه‌ی

خرگوش دره. او به من گفت که می‌توانم هفته‌ای دو بار برای آموزش سواری به خرگوش دره بروم و در ازای آن باید ماهی دوازده تومان بپردازم. چندین ماه با سرهنگ سواری کردیم؛ گاه در مانژ شیوه‌های فنی را می‌آموختیم و گاه در جنگل کاج به سواری آزاد می‌رفتیم. پس از چند ماه، سرهنگ یک چوب چوگان به بهای پانزده تومان (هم‌اکنون ارزان‌ترین چوب حدود هفتاد هزار تومان است) به دستم داد و بدین‌سان نخستین درسی‌های چوگان را به من بیاموخت. حدود یک سال طول کشید تا بایستگی‌های لازم را برای شرکت در بازی‌های رسمی کسب کردم. اینک نزدیک به چهل سال است که همچنان، به همراهی چند چوگان‌باز پیر و جوان، به تمرین‌های خود ادامه می‌دهم و آرامش جسم و جان خود را در آن جست‌وجو می‌کنم.

اما کار همیشگی من نه چوگان‌بازی که فرهنگ و ادبیات است و زبینه آن می‌بود که میان کار و ورزش پیوندی می‌یافتم تا از هر دو سو بهره‌مند شوم. خوشبختانه فرهنگ فارسی و عربی از اسب و سوارکاری و چوگان آکنده است، هرچند که زمینه‌های آن هنوز دست‌نخورده باقی مانده است. نخستین موضوعی که نظر مرا به خود جلب کرد آن بود که می‌دیدم اصطلاحات رایج میان سوارکاران یا ترکی است یا عربی یا فرنگی، و کلمات فارسی در آن‌ها سخت اندک است، حال آن که در زبان فارسی کهن انبوهی کلمه‌ی زیبایی خوش‌آهنگ می‌توان یافت که بر اسب و ویژگی‌ها و اندام‌ها و رفتارهای گوناگون و ابزارهای وابسته به آن دلالت دارد. اما هیچ‌یک از دانشمندان ما به طور جدی در پی یافتن معانی دقیق آن‌ها بر نیامده‌اند و کلمات را در کتاب‌هایی چون نوردنامه و آداب الحرب مبهم و نامفهوم رها کرده‌اند. من خود کوشیدم طی چند مقاله چندین کلمه را شناسایی و معنی‌یابی کنم، به این امید که پژوهشگران دیگری در این زمینه بکمر و دست‌نخورده به کار ادامه دهند.

هنگام پژوهش‌های خود در آثار کهن به هر بار به موضوعی چوگانی بر می‌خوردم، آن را در گوشه‌ای نگه می‌داشتم و چون چند سالی برآمد، دیدم که حجم کلانی از روایات چوگانی گرد آمده است. از آن پس، کار را به شیوه‌ای قانونمند دنبال کردم و همت بر آن گماشتم که کتابی درباره‌ی تاریخ چوگان فراهم آورم.

هفت هشت سال پیش، مرد دانشمندی در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به دیدن من آمد. این دانشمند، جناب دکتر شهابی، ساکن امریکاست و آن‌جا به کار پژوهش مشغول است. وی از آن جهت به دیدار من آمد که برخی از نوشته‌های چوگانی مرا

خوانده بود و میل داشت از نزدیک با یکدیگر آشنا شویم. سپس معلوم شد که ایشان نیز درباره‌ی چوگان پژوهش کرده است و مقاله‌ی پرباری نیز نگاشته است. وی مقاله‌ی خود را، که با همکاری دوستی امریکایی تدوین کرده و بی‌تردید یکی از بهترین مقالات در این باره است، به من مرحمت کرد. من نیز در کتاب خود بارها به آن ارجاع داده‌ام. دکتر شهابی همین که دانست من کتاب تاریخ چوگان را در دست تألیف دارم، پیشنهاد کرد که مرا از اطلاعات خود بهره‌مند سازد. چند ماه از این ماجرا نگذشته بود که روزی دیدم بسته‌ای قطور از امریکا به خانه‌ی من ارسال شده است. این بسته چیزی نبود جز پرونده‌ی کاملی که آقای شهابی برای مقاله‌ی خود تدارک دیده بود. اینک لازم می‌دانم هم دانش او را قدر بنهم و هم جوانمردی‌اش را.

با وجود این پرونده و پرونده‌ی قطوری که خود فراهم آورده بودم، کار پژوهش باز نزدیک به ده سال طول کشید علت آن بود که نویسندگان پیش از من البته از منابع اصلی چون شاهنامه بهره برده بودند اما بخش‌های مهمی را در ادبیات فارسی و به‌خصوص در عربی فرو نهاده بودند و من ناچار بودم همه‌ی آثار این دوره‌ها را واریسی کرده، اطلاعات تازه‌ای به دست آورم.

در آغاز قصد من آن بود که تاریخ چوگان را در سراسر جهان بررسی کنم. اما هنگامی که همه‌ی منابع گرد آمد، دیدم کشورهای چون چین و هندوستان و ژاپن سنت چوگانی گسترده‌ای دارند. همچنین ورود چوگان به اروپا و امریکا نیز خود داستان مفصلی است. از این رو، بهتر آن دیدم که کار خود را به ایران و سرزمین‌های عربی محدود سازم و برای کشورهای دیگر به خلاصه‌ای در چند صفحه بسنده کنم.

بدین سان کار به انجام رسید. آن‌گاه می‌بایست مینیاتورها و تصویق‌هایی را که از پیش تدارک دیده شده بود برای چاپ در کتاب مهیا سازیم. این کار ظریف و فنی البته از عهده‌ی من خارج بود و همه‌ی زحمت آن ناچار به دوش سازمان نشر ماهی می‌افتاد که خوشبختانه ویراستارانی زبده و کاردان دارد و به همت ایشان توانستیم از همه‌ی مضایق به‌نیکی بیرون آییم. من اینک زحمت‌های صادقانه‌ی این عزیزان را سپاس می‌گزارم و برایشان آرزوی توفیق دارم.

بازخوانی و تصحیح این کتاب دشوار پرارجاع البته کار آسانی نیست و لازم بود که برای این مهم از مردانی کارگشته و پراطلاع باری بطلبیم. خوشبختانه دوستان عزیز و دانشمند، آقای علی بهرامیان و آقای احمد رضا قائم‌مقامی، به یاری‌مان آمدند و با آن

دقت و وسواسی که خاص ایشان است، سراسر کتاب بازیینی و اصلاح شد و موجب نهایت امتنان من گردید.

نیز لازم می دانم از مسئولان ارجمند کتابخانه‌ی ملی ایران که نسخه‌ی اسکن شده‌ی رساله‌ی گوی و چوگان میرزا یحیی خان را در اختیار ما نهادند، صمیمانه تشکر کنم. پیداست که ما در این کار — هرچند که سالیان درازی را به سر آن گذاشته‌ایم — ادعای کمال نداریم و آرزو مندیم که دانشمندان و علاقه‌مندان که این اثر را می‌خوانند، ما را راهنمایی کنند تا ان شاء الله کاستی‌های آن برطرف گردد.

و من الله التوفیق

آ. آذرنوش

دی‌ماه ۱۳۹۱